



حضرور ایت الله خامنه‌ای در مراسم عزاداری روز مدنگان اسلام در سال ۱۴۶۷  
ارزش شهداًی کربلا

درس اخلاق

همه یاران حسینی، صاحبان بصیرت بودند؛  
اما او بصیرت را بیشتر نشان داد

در زیارات و کلماتی که از ائمه (ع) راجع به ابا الفضل العباس رسیده است، روی دو جمله تأکید شده است: یکی بصیرت، یکی وفا. بصیرت ابا الفضل العباس کجاست؟ همه‌ی یاران حسینی، صاحبان بصیرت بودند؛ اما او بصیرت را بیشتر نشان داد. در روز تاسوعاً.. وقتی که فرصتی پیدا شد که او خود را از بلنجات دهد؛ یعنی آمدند به او پیشنهاد تسلیم و امان نامه کردند و گفتند ما تو را امان می‌دهیم؛ چنان برخورد جوانمردانه‌ای کرد که دشمن را پشیمان نمود. گفت: من از حسین جدا شوم؟! وای بر شما! اف بر شما و امان نامه‌ی شما! نمونه‌ی دیگر بصیرت او این بود که به سه نفر ز برادرانش هم که با او بودند، دستور داد که قبل از به میدان بروند و مجاهدت کنند؛ تا این که به شهادت رسیدند. می‌دانید که آنها چهار برادر از یک مادر بودند: بالفضل العباس - برادر بزرگ تر - جعفر، عبدالله و عثمان. انسان برادرانش را در مقابل چشم خود برای حسین بن علی قربانی کند؛ به فکر مادر داغدارش هم نباشد که بگوید بکی از برادران برود تا این که مادرم دلخوش باشد؛ به فکر سرپرستی فرزندان صغیر خودش هم نباشد که در مدینه هستند؛ این همان بصیرت است. وفاداری حضرت بالفضل العباس هم از همه جای بیشتر در همین قضیه‌ی وارد شدن در شریعه‌ی فرات و ننوشیدن آب است. • ۷۹/۱/۲۶

حکام شرعی

بن: نظر شریف حضرت عالی نسبت به ادامه‌ی حرکت دسته‌های عزاداری در شب‌های محرم  
آنصف شب همراه با استفاده از طبل و نی چیست؟

ج: به راه انداختن دسته‌های عزاداری برای سیدالشہدا و اصحاب او (علیهم السلام) و شرکت  
در امثال این مراسم امر بسیار پسندیده و مطلوبی است و از بزرگ‌ترین اعمالی است  
که انسان را به خداوند نزدیک می‌کند، ولی باید از هر عملی که باعث اذیت دیگران  
می‌شود و با فی نفسه از نظر شرعی حرام است، پرهیز کرد.

بن: استفاده از طبل و سنج و شیپور و همچنین زنجیرهایی که دارای تیغ هستند در  
جالس و دسته‌های عزاداری چه حکمی دارد؟

ج: اگر استفاده از زنجیرهای مزبور موجب وهن مذهب در برابر مردم شود و یا باعث  
ضرر بدنی قابل توجهی گردد، جایز نیست ولی استفاده از شیپور و طبل و سنج به  
حو متعارف اشکال ندارد. •

هیئت تراز

در این برهه‌ی از زمان روی مسئله‌ی خانواده تکیه کنید. دشمن - نه دشمن ایران یا دشمن انقلاب؛ دشمن بشریت- تصمیم گرفته که نظام خانواده را در بین بشر از بین ببرد. خانواده سنت الهی است. دشمن بشریت یعنی جریان سرمایه‌داری بین المللی و صهیونیسم تقریباً حدود صد سال پیش تصمیم گرفتند که خانواده را در بین بشر ز بین برند؛ و یک جاهایی موفق شدند. در آن جاهایی که از خدادور بودند موفق شدند، در یک جاهایی هم از جمله در ایران اسلامی ماموفق نشدند اما دارند تلاش می‌کنند. این ازدواج‌های سخت، این ازدواج‌های دیر، این فرزندآوری کم، این به غلط‌زشت‌شان «ازدواج‌های سفید»- که سیاه‌ترین نوع زندگی مزدوج است - همه‌ی اینها به خطاب است که خانه‌اده: ب- ب و د. ۹۷/۱۲/۷

سازمان  
۲۵۰ سال

عظمت خون‌بهای امام حسین (علیه السلام) سیاست‌گذاری‌های اسلامی و ایرانی را در میان اقوام اسلامی معرفت کردند و این اتفاق را می‌دانند که این اتفاق از این‌جا شروع شد. این اتفاق را می‌دانند که این اتفاق از این‌جا شروع شد. این اتفاق را می‌دانند که این اتفاق از این‌جا شروع شد. این اتفاق را می‌دانند که این اتفاق از این‌جا شروع شد. این اتفاق را می‌دانند که این اتفاق از این‌جا شروع شد.

فکر کن اگر نمی‌رفتیم چه می‌شد!

بعد از آن که امام سجاد (ع) پس از حادثه عاشورا به مدینه برگشت - شاید از آن و میگفت که این کاروان از مدینه بیرون رفت و دوباره برگشت، یازده ماه فاصله شده بود - یک خدمت ایشان آمده و عرض کرد: یا بن رسول الله! دیدید رفتید، چه شد! راست هم می‌گیرد این کاروان در حالی رفته بود که حسین بن علی (ع)، خورشید در خشان اهل بیت، فیض و عزیز دل رسول الله، در رأس و میان آنها بود؛ دختر امیر المؤمنین باعزت و سرافراز رفته بود؛ فرزندان امیر المؤمنین - عباس و دیگران - فرزندان امام حسین، فرزندان حسن، جوانان بر جسته و زبده و نامدار بنی هاشم، همه با این کاروان رفته بودند؛ حالاً کاروان برگشته و فقط یک مرد - امام سجاد (ع) - در این کاروان هست؛ زنها اس کشیده، رنج و داغ دیده‌اند؛ امام حسین نبود، علی اکبر نبود، حتی کودک شیر خواه میان این کاروان نبود. امام سجاد (ع) در جواب آن شخص فرمود: فکر کن اگر نمی‌رفتند، رنج و داغ دیده‌اند؛ امام حسین نبود، علی اکبر نبود، حتی کودک شیر خواه میان این کاروان نبود. در جواب آن شخص فرمود: فکر کن اگر نمی‌رفتند، رنج و داغ دیده‌اند؛ امام حسین نبود، علی اکبر نبود، حتی کودک شیر خواه می‌شد؛ و جدانها پایمال می‌شد؛ خرد و منطق در طول تاریخ محکوم می‌شد؛ روح دین می‌شد؛ و جدانها پایمال می‌شد؛ خرد و منطق در طول تاریخ محکوم می‌شد و حتی اسلام هم نمی‌ماند.

## اچازہ ندار پدنماز جماعت یہ یا کنید!

اجازه ندارید نماز جماعت بر پا کنید!  
هر همان نخستین روزهای زندان، ماه محرم سال ۱۳۸۷ قمری فرار سید ای برپایی شعائر اسلامی در زندان همکاری می کرد، زندانیان را به برپایی غیب می کرد. من امام جماعت نظامیان زندانی بودم و پس از نماز، برای شناسنامه می کردم. قاسمی هم بعداز من، روضه می خواند. چند شبی وضع به همیعت. یک شب افسر مسئول زندان وارد شد و دید نظامیان زندانی پشت سر یکی ای نماز می خوانند! انتظار داشت وقتی وارد زندان می شود، سربازان به مستند و به اسلام نظامی بدنهند؛ اما همه رویشان به سوی قبله بود و هستنائی نکرد! مشاهده ای این صحنه بر او گران آمد و خشمگین از زندان بیرون شد. یکی از مسئولان زندان نزد من آمد و گفت: شما اجازه ندارید نماز تبلیغی ایجاد کنید و برای نظامی ها حرف بزنید. این ممنوعیت به نفع من بود، زیرا هم دلیل شتر شد. به آنها گفتم: به جلسات تان هر شب ادامه دهید و طی آن، صحقاتی حق پیروز است را بخواید. این کتاب، حاوی تحلیلی از انقلاب امام حسین علی شهدای کربلاست. منبع: خون دلی که لعل شد

از امام حسین (ع) بیاموزید

حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد؛ ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد، ماهی که قدرت حق، باطل را تابد محکوم و داغ باطل بر جبهه‌ی ستمکاران و حکومت‌های شیطانی زد، ماهی که به نسل‌ها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سرنیزه را آموخت، که شکست ابر قدرت‌هارا در مقابل کلمه‌ی حق به ثبت رساند، ماهی که مسلمین، راه مبارزه با ستمکاران تاریخ را به ما آموخت، راهی که باید مشت کرده‌ی آزادی خواهان و استقلال طلبان و حقگویان بر تانک‌ها و مسلسل‌ها و ابلیس غلبه کند و کلمه‌ی حق، باطل را محون نماید. امام مسلمین به ما آموخت در حالی که ستمگر زمان بر مسلمین حکومت جائزه‌هایی کند، در مقابل او اقوای شما ناهمانه‌نگ باشد بپاچیزید و استنکار کنید و اگر کیان اسلام را در دیدید، فداکاری کنید و خون نشار نمایید.

گزارش

۶ تصمیم خبرگان در ۱۴ خرداد



 <b>این است</b> <b>حزب الله</b> <p><b>جو ان مسئو لیت شناس کربلا</b></p> <p>تا وقتی اصحاب بودند، می‌گفتند جانمان را قربان شمامی کنیم و اکسی از بنی هاشم- فرزندان امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین- به میدان جنگ بروند. می‌گفتند اول ما می‌رویم و کشته می‌شویم، آشندن ما خواستید، آن وقت به میدان بروید. وقتی که نوبت به جانباز بنی هاشم رسید، اول کسی که در خواست اجازه برای میدان می‌کنند مسئولیت شناس است؛ او علی اکبر، پسر آقا و پسر امام و از همه به امام پس برای فدایکاری از همه شایسته تر است. این هم یک مظہر امامت این جایای نیست که دنیا، منافع مادی، سوداًقتصادی و شهوت نفسانی این جامجهادت و سختی است؛ اول کسی که داوطلب می‌شود علی بن الحاست.</p> <p style="text-align: right;">۸۱/۱/۹۰</p>	 <b>خانواده ایرانی</b> <p><b>عامل پیروزی «حضرت زینب» بود و الا خون در کربلا تمام شد</b></p> <p>بنب کبری یک نمونه‌ی برجسته‌ی تاریخ است که عظمت حضور کزن را در یکی از مهم‌ترین مسائل تاریخ نشان می‌دهد. اینکه گفته شود در عاشوراء، در حادثه‌ی کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد - که قعای پیروز شد - عامل این پیروزی، حضرت زینب بود؛ والا خون در کربلا مام شد. حادثه‌ی نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه‌ی شورابه پایان رسید؛ اما آن چیزی که موجب شد این شکست نظامی اهاری، تبدیل به یک پیروزی قطعی دائمی شود، عبارت بود از منش بنب کبری؛ نقشی که حضرت زینب بر عهده گرفت؛ این خیلی چیز همی است.</p> <p style="text-align: right;">۸۹/۲/۱۰</p>
---	---

تر بیت شده های اهل بیت اینگونه اند

یکی از این قضاایا، قضیه به میدان رفتن «قاسم بن الحسن» است که صحنه بسیار عجیبی است. قاسم بن الحسن (ع) یکی از جوانان کم سال دستگاه امام حسین است. نوجوانی است که «لم يبلغ الحلم»؛ هنوز به حدّ بلوغ و تکلیف فرسیده بوده است. در شب عاشورا، وقتی که امام حسین (ع) فرمود که این حادثه اتفاق خواهد افتاد و همه کشته خواهند شد و گفت شما بروید و اصحاب قول نکرند که برond، این نوجوان سیزده، چهارده ساله عرض کرد: «موjan! آیامن هم در میدان به شهادت خواهیم رسید؟ امام حسین خواست که این نوجوان را آزمایش کند - به تعییر ما - فرمود: عزیزم! کشته شدن در ذاته تو چگونه است؟ گفت «احلى من العسل»؛ از عسل شیرین تراست. ببینید؛ این، آن جهتگیری ارزشی در این شماره تقدیم می شود به ارواح طیبه شهدای